



قاسم بغلانی

و مردمکم که در کاسه ی
زیر نیم کاسه ی
پر از باران می شود

کارتن های بی پنجره
ماه را در آغوش می کشند
بی معنا مثل ساعت
مچم را می گیرم



حلمه طریقت (فرزند) مریم نوروزی (مادر)
شاعر: مریم نوروزی
مترجم: محمود شیربازو
در خیال کوچه

شاعر: مریم نوروزی
مترجم: محمود شیربازو

(مادر و دختر)

در خیال کوچه
خودش را گم کرد
بادی که از تماشای تو بر می گشت
In the alley's imagination
It lost itself
The wind that blew from watching you

شاعر: حلما طریقت
(۶ساله)

مترجم: محمود شیربازو

ادامه بده مرا

تا حبسم نکند این پاها!!

Keep me going

So that these legs do not lock me !!



نسرین محمدی

از پشت پرچین گل های یخ
بیا
و نوازش کن
بغض پنهانم را
بی صدا،
در تنهایی شب.
سکوت را فریاد می زنم
تا راهبرت باشد
در زمستان عشق



محمود شیربازو

من در خیال تو
پرسه میزنم در خواب و باران
بالینم ابری است
بس سیاه و سترگ
که شبانگهان
به دریاها می کشاندم
تاول میزنم بر دل هر موج
و گله گله ماهی عاصی
از آبستن بغضم
سر به سنگ و ساحل ها
می کوبند !!
آه ای پتک بی وقفه ی باران
آرام و آرامتر بکوب
بر طبل احساس
این زخمی بی قرار !!



حسن رسولی

شیر و شراب خورده ام
من عسلی ناب
از لب یار خورده ام
در تو شکر
قند و نبات گشته ام
در شرر نگاه تو
زلال آب گشته ام
پس از آن از لب تو
آن جام را سر کشیده ام
که شدم سرگشته تو
نقاشی که سر کشیده ام
سر سودای لب
به جوهر و قلم و رنگ دلم
رنگ بی رنگ توام
بکرنک «من» کشیده ام
غلیان لب...



مهدی زکی زاده

چشم ستاره روشن از شوکت آفتاب کن
جای زمین از آسمان عشق خود انتخاب کن
بالب آب جو بجز صحبت تشنگی مکن
مَنْتِ هیچ کس مکش، روی دلت حساب کن



علی عسکری غنچه

تو ماخوذ از،
واژه ی عشقی
در قلمرو آفرینش
ناگفته به تفسیر
در انحصار مشروط
و...
زورق رنج دیده
بر کران فطرت ذوق
چون رسوباتی غربال
گذر از قرنطینه
در جزیره ی نقطه چین ها
خطی موازی
در حجابی از فلسفه خام
پنهان شده است
عسرت زمانه
به پرتگاه عمیق
درسفر تاریخ
در امان نمی ماند
کسی از بیماری او



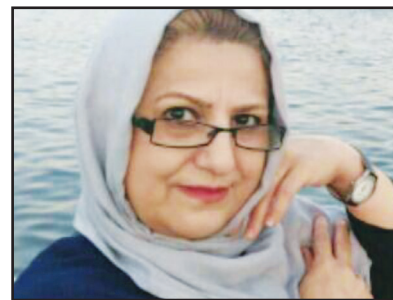
حسین نادری

آن غزل واژه ی چشمان تو دیوان من است
به تو سوگند همین آیه ی قرآن من است
تا قیامت به مسلمانی خود می بالم
ناز اشکت سبب این همه ایمان من است
رام بیمانه نگردد دل سرمست و خوشم
یاد شیرین تو یاقوت شبستان من است
راوی خاطره های من و تو شد غزلم
ذهن محبوب قلم فرش سلیمان من است
دست قسمت نسپاری دل شیدای مرا
فارغ از دست خزان فصل بهاران من است
نگرانم که مبادا تو فراموش کنی
رقص گیسوی تو از نبض پریشان من است
فصل پاییز و غم آموزی خورشید غریب
از هجوم تب لبخند زمستان من است



رضا بهزادی

هر معدنی در شهرماست
از حکمت خوب خداست
هر انفجارش گوهری از
رحمت خوب خداست
روزی، رسد بر بنده ها
از معدن سرشارماست
این روزی بی انتها از
همت خوب خداست
با خنجر کار و تلاش
بر قلب معدن میزنیم
این همت بی انتها
موهبت خوب خداست



معصومه خدابنده

... آآخ
گلیوته ی احساسم
بهانه ی خوبییست
برای پیچک بازوانت
که چکه میکنند مهرت
بر گونه های منتظرم

منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی شود.
toloudaily@gmail.com
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: محمود شیربازو